



Prediction of Marital Conflicts Through Distress Tolerance Mediated by Ego Resilience in Women Seeking Divorce

Abstract

Introduction: Marital conflicts have a significant impact on the mental health and well-being of couples. Despite the considerable effects of marital conflicts on individual and family well-being, there is limited understanding of how distress tolerance and personal resilience contribute to predicting marital conflicts.

Method: This study employed a descriptive-correlational design with a modeling approach. The statistical population included all women seeking divorce who referred to marital counseling clinics in District 3 of Tehran during the spring of 2024. The sample was selected through convenience sampling. Data collection tools included the Marital Conflict Questionnaire by Sanaei (1996), the Distress Tolerance Scale (DTS) by Simons and Gaher (2005), and the Psychological Inner Strength Questionnaire (PIES) by Markstrom et al. (1997). Data were analyzed using descriptive statistics (frequency, mean, and standard deviation) and path analysis.

Findings: The chi-square to degrees of freedom ratio was 4.374, indicating a good fit (less than 5). The fit indices NFI = 0.975, CFI = 0.991, and PNFI = 0.928 were all above 0.90, and RMSEA was 0.057, confirming the adequacy of the model fit.

Conclusion: Findings showed that distress tolerance had a significant indirect effect on marital conflict through the mediation of inner strength (standard coefficient = -0.366, $p < 0.001$). Additionally, among the three personality types, the manipulative personality had a significant indirect effect on marital conflict (standard coefficient = 0.170, $p < 0.001$). It can be concluded that the model predicting marital conflict through distress tolerance mediated by inner strength among women seeking divorce demonstrates a good fit.

Keywords: Marital Conflict, Distress Tolerance, Ego Resilience, Women, Divorce.

Authors:

Nina Shahinnia¹

Amir Mohsen Rahnejat^{2*}

Affiliations

1-Department of Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2-Department of Clinical Psychology, Faculty of Medicine, AJA University of Medical Sciences, Tehran, Iran Corresponding author. Email: arahnedjat@yahoo.com



پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی از طریق تحمل‌پریشانی با میانجی‌گری استحکام من در زنان متقاضی طلاق

چکیده

نینا شاهین‌نیا^۱
امیر محسن راه‌نجات^{۲*}

مقدمه: تعارض‌های زناشویی تأثیر چشمگیری بر سلامت روان و رفاه زوجین دارند. علیرغم تأثیر قابل توجه تعارض‌های زناشویی بر رفاه افراد و خانواده‌ها، درک محدودی از اینکه چگونه تحمل‌پریشانی و استحکام من در پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی کمک می‌کند، وجود دارد.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی با رویکرد مدل‌یابی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره زناشویی منطقه ۳ شهر تهران در بهار سال ۱۴۰۳ بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد. ابزارهای گردآوری داده شامل پرسشنامه تعارض‌های زناشویی توسط ثنائی (۱۳۷۵)، تحمل‌پریشانی هیجانی (DTS) سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) و پرسشنامه روانشناختی استحکام من (PIES) مارک استروم و دیگران (۱۹۹۷) بودند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و تحلیل مسیر صورت گرفت.

یافته‌ها: شاخص نسبت خی دو بر درجه آزادی برابر با ۳۷۴.۴ بود که کمتر از ۵ و مطلوب است. شاخص‌های برازش NFI ۰.۹۷۵، CFI ۰.۹۹۱ و PNFI ۰.۹۲۸ بالاتر از ۰.۹ و RMSEA برابر ۰.۰۵۷ بود که همگی نشان‌دهنده برازش مناسب مدل هستند.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که تحمل‌پریشانی با میانجی‌گری استحکام من اثر غیر مستقیم و معناداری بر تعارض زناشویی دارد با ضریب استاندارد ۰.۳۶۶- و معناداری ۰.۰۰۱ داشته است همچنین از میان شخصیت‌های سه‌گانه شخصیت فریگر دارای اثر غیر مستقیم و معناداری با ضریب ۰.۱۷۰ و معناداری ۰.۰۰۱ بر تعارض زناشویی دارد. می‌توان نتیجه گرفت مدل پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی از طریق تحمل‌پریشانی با میانجی‌گری استحکام من در زنان متقاضی طلاق از برازش برخوردار است.

کلمات کلیدی: تعارض زناشویی، تحمل‌پریشانی، استحکام من، زنان، طلاق.

وابستگی سازمانی نویسندگان

۱- گروه روانشناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران، نویسنده مسئول.

پست الکترونیک: arahnedjat@yahoo.com

مقدمه:

انتقاد یا استرس اشاره دارد [۱۷]، استحکام من توانایی ایگو (خود یا من) برای رویارویی با واقعیت بیرونی است، زمانی که ایگو خواسته‌های نهاد، فراخود و واقعیت خارجی را متعادل می‌کند [۱۸]. درواقع یکی از عوامل مؤثر بر سلامت روان از منظر رویکرد روان پویایی، استحکام من است. ایگو نقش مهمی در عملکرد روانی ذهن و آسیب روانی دارد. در واقع آسیب شناسی روانی را نیز می‌توان بر اساس تعارض‌های ایجاد شده و ناتوانی ایگو در برقراری تعادل بین سطوح شخصیتی و روشی که فرد تعارض‌های را کنترل می‌کند (مانند مکانیسم‌های دفاعی ایگو) درک کرد [۱۹، ۲۰]. در واقع مطالعات نشان داده است که بین استحکام من و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد [۲۱].

به علاوه مطالعات نشان داد که متغیر استحکام من نقش میانجی بین ناراضی جنسی (که زیرمقیاسی از تعارض‌های زناشویی است) و روابط خارج از ازدواج دارد [۲۲]. بنابراین به نظر می‌رسد استحکام من و تعارض‌های زناشویی از طرق مختلف با هم در ارتباط باشند. به علاوه مطالعات نشان دادند که استحکام من با باورهای شخصیتی ناکارآمد ارتباط منفی و معناداری دارد [۲۳]. به علاوه استحکام من به صورت معکوس پیش‌بینی کننده انواع اختلالات شخصیت است [۲۴]. از سوی دیگر مشخص شده است که بین استحکام من و تحمل پریشانی هیجانی رابطه معناداری وجود دارد. در واقع سطوح بالای استحکام من می‌تواند به افزایش تحمل پریشانی کمک کند [۲۵]؛ زیرا افراد با ساختارهای استحکام من برای کنترل احساسات منفی و استرس بدون تجربه تأثیر قابل توجهی بر خودپنداره و عزت نفس خود مجهزتر هستند [۲۶].

روش کار:

روش این پژوهش باتوجه به هدف و ماهیت آن از نوع توصیفی-همبستگی از نوع مدل یابی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره زناشویی منطقه سه شهر تهران در بهار سال ۱۴۰۳ بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد و حجم نمونه بر اساس فرمول کلاین ۲،۵ تا ۵ برابر تعداد ماده‌های ابزارها بود. حداقل تعداد نمونه‌ها نیز باید ۲۰۰ باشد [۲۶]. بر اساس پژوهش حاضر، ۵۴ ماده مربوط به پرسشنامه تعارض‌های زناشویی توسط ثنایی (۱۳۷۵)، و ۶۴ ماده مربوط به پرسشنامه روانشناختی استحکام من (PIES) مارک استروم و دیگران (۱۹۹۷) است که مجموعاً ۱۴۵ ماده می‌شود. بر این اساس تعداد حداقل افراد نمونه، ۳۶۲ نفر می‌شود که در جهت اطمینان حجم نمونه ۳۷۰ نفر در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل متقاضی طلاق بودن، جنسیت زن و داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل پاسخ ناقص به سؤالات پرسشنامه‌ها و انصراف از پژوهش بود.

زنانی که متقاضی طلاق هستند، اغلب با طیف وسیعی از احساسات و چالش‌ها مواجه می‌شوند که فرآیند پایان دادن به ازدواج خود را دنبال می‌کنند [۱]. این تصمیم ساده گرفته نمی‌شود، زیرا متضمن تغییری عمیق در زندگی آنها و خانواده‌هایشان است. این افراد اغلب با انبوهی از تعارض‌های زناشویی^۱ مواجه می‌شوند که ممکن است سال‌ها پنهان مانده باشند. این تعارض‌های می‌تواند از آشفتگی عاطفی تا اختلافات آشتی ناپذیر که در نهایت منجر به تصمیم به انحلال ازدواج می‌شود، متغیر باشد [۲، ۳]. تعارض‌های زناشویی در افراد می‌تواند از عوامل بی‌شماری ناشی شود که بر رفاه عاطفی، روابط و کیفیت کلی زندگی آنها تأثیر می‌گذارد [۴]. در واقع تعارض‌های زناشویی به اختلافات و تنش‌هایی گفته می‌شود که بین زوجین متأهل به وجود می‌آید. این تعارض‌های می‌تواند توسط عوامل مختلفی مانند مسائل عاطفی و روانی، تفاوت در ارزش‌ها و باورها، مشکلات مالی، خیانت، شیوه‌های فرزندپروری و رشد شخصی ایجاد شود [۵-۷].

از سوی دیگر، تحمل پریشانی^۲ یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند بر تعارض زناشویی اثرگذار باشد [۸]. تحمل پریشانی به توانایی فرد برای تحمل و مقابله با احساسات منفی، استرس و ناراحتی بدون توسل به رفتارهای ناسازگار یا ناسالم اشاره دارد. این یک جنبه ضروری تنظیم عاطفی و رفاه ذهنی است [۹]. در روابط زناشویی، تحمل پریشانی می‌تواند نقش مهمی در نحوه مدیریت و حل تعارض‌های زوجین ایفا کند. افرادی که سطح تحمل پریشانی بالاتری دارند، ممکن است برای کنترل اختلافات و تنش‌ها در روابط خود، بدون اینکه غرق شوند یا به مکانیسم‌های مقابله منفی^۳ متوسل شوند، مجهزتر باشند. آنها بیشتر درگیر ارتباط مؤثر، گوش دادن فعال و حل مسئله هستند که می‌تواند منجر به روابط سالم‌تر و رضایت بخش تر شود [۱۰، ۱۱].

در واقع مطالعات نشان داده است که زوجین با تحمل پریشانی بالاتر مانند تحمل ارزیابی، جذب و سازگاری، تعارض زناشویی پایین‌تری نشان می‌دهند [۱۲]. همچنین عدم تحمل پریشانی یکی از عوامل پیش‌بینی کننده گرایش به طلاق در زوجین است [۱۳]. از سوی دیگر، افرادی که سطح تحمل پریشانی کمتری دارند، ممکن است برای مدیریت تعارض‌های بین فردی دچار مشکل شوند. آنها ممکن است در هنگام اختلاف نظر، پریشانی عاطفی شدیدی را تجربه کنند، که می‌تواند منجر به افزایش تنش، سوء تفاهم و رفتارهای بالقوه مخرب شود [۱۴، ۱۵].

یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر روابط زناشویی، استحکام من است [۱۶]. استحکام من به توانایی فرد برای حفظ یک خودپنداره و عزت نفس پایدار، حتی در مواجهه با ناملایمات،

- 1.marital conflicts
- 2.distress tolerance
- 3.negative coping mechanisms

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تعارض‌های زناشویی ثنائی (۱۳۷۵)

پرسشنامه تعارض‌های زناشویی توسط ترابی و ثنائی (۱۳۷۵) به منظور سنجش تعارض‌های زناشویی طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۵۴ سؤال و شامل ۸ مؤلفه کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر می‌باشد و بر اساس طیف چهار گزینه‌ای لیکرت با سوالاتی مانند (هنگام دعوا با همسر، رابطه من با خانواده پدر و مادری او قطع می‌شود) به سنجش تعارض‌های زناشویی می‌پردازد. برای هر سؤال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آنها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است. حداکثر نمره هر خرده مقیاس مساوی با تعداد سؤال‌های آن خرده مقیاس‌ها ضربدر ۵ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر و تعارض کمتر است. نمره گذاری گزینه‌ها به این صورت است: هرگز (۱)، بندرت (۲)، گاهی (۳)، اکثراً (۴)، همیشه (۵). سوالات ۳، ۱۱، ۱۴، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۴۵، ۴۷، ۵۴ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش لواف و دیگران (۱۳۹۳) برای این پرسشنامه بالای ۰٫۷ برآورد شد. ضریب پایایی ۰٫۷۰، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰٫۷۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰٫۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰٫۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰٫۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر ۰٫۶۹ در پژوهش حاضر نیز اعتبار این پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که مقدار آن ۰٫۸۱ محاسبه شد.

پرسشنامه تحمل پریشانی هیجانی (DTS) سیمونز و گاهر (۲۰۰۵)

مقیاس تحمل پریشانی (DTS) سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) یک شاخص خود سنجشی تحمل پریشانی است که دارای ۱۵ گویه و چهار خرده مقیاس تحمل (تحمل پریشانی عاطفی)، جذب (جذب شدن توسط عواطف منفی)، ارزشیابی (برآورد ذهنی پریشانی) و تنظیم (تنظیم تلاش برای رفع پریشانی) است. عبارات این پرسشنامه، بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (۱- کاملاً موافق ۲- اندکی موافق ۳- نه موافق و نه مخالف ۴- اندکی مخالف ۵- کاملاً مخالف) نمره گذاری می‌شوند و هر یک از این گزینه‌ها به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ امتیاز دارند. عبارت ۶ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. نمرات بالا در این مقیاس نشان‌گر تحمل پریشانی بالاست. برای بدست آوردن تحمل پریشانی کلی نمره تمام سوالات با هم جمع می‌شود و برای بدست آوردن نمره هر یک از ابعاد، نمره سؤال‌های هر بعد مطابق آن چه که در بالا ذکر شد با هم جمع می‌شوند.

سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) ضرایب آلفا برای این مقیاس را به ترتیب ۰٫۷۲، ۰٫۸۲ و ۰٫۷۰ و برای کل مقیاس ۰٫۸۲ را گزارش کرده‌اند، آن‌ها همچنین گزارش کرده‌اند که این پرسشنامه دارای روایی ملاکی و همگرایی اولیه خوبی است. علوی (۱۳۸۸) در پایان نامه خود از این ابزار بهره گرفته است؛ وی آن را بر روی ۴۸ نفر از دانشجویان دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد (۳۱ زن و ۱۷ مرد) اجرا کرده است و گزارش کرده است که کل مقیاس دارای پایایی همسانی درونی بالا ($\alpha = 0.71$) و خرده مقیاس‌ها دارای پایایی متوسطی (برای تحمل ۰٫۵۴، جذب ۰٫۴۲، ارزیابی ۰٫۵۶ تنظیم ۰٫۵۸) هستند (علوی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز اعتبار این پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که مقدار آن ۰٫۷۹ محاسبه شد.

پرسشنامه روانشناختی استحکام من (PIES) مارک استروم و دیگران (۱۹۹۷)

سیاهه روانشناختی استحکام من (PIES) توسط مارک استروم، ساینو، ترنر و برمن (۱۹۹۷) تهیه شد که ۸ نقطه از قدرت نفس (امید، تمایل، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد) را اندازه گیری می‌کند و دارای ۶۴ سؤال است. این پرسشنامه دارای ۶۴ سؤال با طیف لیکرت پنج درجه‌ای (اصلاً با من مطابق نیست، کمی با من مطابق نیست، نظری ندارم، کمی با من مطابق است، کاملاً با من مطابق است) و امتیاز ۱-۳-۴-۵ به آنها تعلق می‌گیرد. در این پرسشنامه بالاترین نمره‌ای که یک فرد می‌تواند کسب کند ۳۲۰ و کمترین نمره ۶۴ است. کسب نمره نزدیک به ۳۲۰ نشان دهنده سطح بالای قدرت نفس و کسب نمره نزدیک به ۶۴ نشان دهنده قدرت نفس پایین است. امتیاز هر یک از خرده مقیاس‌ها با جمع امتیاز سوالات هر یک از خرده مقیاس‌ها به دست می‌آید. استروم و دیگران (۱۹۹۷) به عنوان سازندگان این پرسشنامه، روایی و پایایی این پرسشنامه را بررسی کردند. آن‌ها روایی صوری، محتوا و ساختار این پرسشنامه را تأیید کردند و همچنین برای بررسی پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰٫۶۸ گزارش کردند. الطافی (۱۳۸۸) نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه را در نمونه ایرانی ۰٫۹۱ و پایایی دو نیمه مقیاس را ۰٫۷۷ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز اعتبار این پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که مقدار آن ۰٫۷۸ محاسبه شد.

روش اجرای پژوهش

پس از دریافت کد اخلاق REC.R.IAU.IR.۱۴۰۳.۰۳۵ از دانشگاه آزاد اسلامی-واحد روغن و پس از بررسی مبنای نظری به روش کتابخانه‌ای، پژوهشگر به تهیه ابزارهای پژوهش و کسب مجوزهای لازم پرداخت، پرسشنامه‌ها به صورت فردی و توسط پژوهشگر به صورت مدادی-کاغذی جهت تکمیل به زنان متقاضی طلاق که حاضر به همکاری بودند داده شد. در ابتدای پرسشنامه اصول اخلاقی پژوهش نوشته شده بود و طی

جدول ۱- توصیف و بررسی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	زیر مقیاس	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تعارض زناشویی	کاهش همکاری	۱۲	۳۶	۲۲.۲۷	۴.۶	۰.۴۱۴	۰.۵۲۵
	کاهش رابطه جنسی	۱۵	۳	۲۳.۵۷	۳.۹۵	۱.۰۷۴	۳.۱۶۲
	افزایش واکنش‌های هیجانی	۷	۲۴	۱۵.۲۴	۳.۵۷	۰.۱۷۵	-۰.۲۴۷
	افزایش جلب حمایت فرزندان	۱۲	۲۹	۲۱.۲۴	۳.۹۹	-۰.۱۲۸	-۰.۵۳۰
	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۱۲	۳۳	۲۱.۷۲	۴.۶۰	۰.۱۳۷	-۰.۴۰۰
	کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان	۶	۲۷	۱۶.۲۳	۴.۱۶	-۰.۰۴۴	۰.۰۲۳
	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۱۵	۳۹	۲۴.۰۴	۴.۸۴	۰.۶۵۲	۰.۶۱۷
	کاهش ارتباط مؤثر	۱۸	۴۲	۲۷.۷۲	۴.۷۴	۰.۴۷۶	۰.۴۱۰
	تعارض زناشویی کل	۱۰۵	۲۴۶	۱۷۱.۳۰	۲۶.۳۲	۰.۲۷۴	۰.۷۴۸
استحکام من	امید	۱۱	۳۸	۲۴.۱۶	۵.۱۹	۰.۲۰۳	۰.۶۰۱
	تمایل	۱۱	۳۳	۲۲.۲۸	۴.۷۶	۰.۰۰۰	-۰.۳۷۱
	هدف	۱۴	۳۶	۲۴.۵۴	۴.۸۵	-۰.۲۰۲	-۰.۱۴۶
	شایستگی	۱۱	۳۶	۲۱.۹۳	۴.۶۲	۰.۵۸۷	۱.۰۲۳
	وفاداری	۸	۳۵	۱۶.۹۵	۵.۶۶	۰.۷۴۴	۰.۷۸۸
	عشق	۸	۲۴	۱۵.۶۸	۴.۰۶	۰.۰۸۷	-۰.۷۵۳
	مراقبت	۸	۳۵	۱۷.۲۹	۵.۴۲	۰.۷۹۵	۱.۱۰۸
	خرد	۸	۲۴	۱۶	۴.۱۶	-۰.۰۹۷	-۰.۷۷۱
	استحکام من کل	۸۸	۲۲۴	۱۵۸.۸۷	۲۵.۳۵	۰.۱۲۲	۰.۵۵۷
تحمل پریشانی	تحمل	۹	۲۰	۱۴.۰۶	۳.۰۷	۰.۴۰۷	-۰.۸۳۴
	جذب	۵	۱۴	۹.۷۷	۲.۰۶	۰.۱۳۷	-۰.۶۵۲
	ارزشیابی	۸	۲۳	۱۵.۴۰	۳.۳۹	۰.۱۴۹	-۰.۴۳۶
	تنظیم	۶	۱۹	۱۱.۵۴	۳.۰۲	۰.۳۸۷	-۰.۳۹۰
	تحمل پریشانی کل	۳۶	۷۶	۵۰.۵۱	۸.۵۶	۰.۵۴۱	۰.۳۵۶

استحکام من در پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی کمک می‌کند، وجود دارد. به علاوه، نقش میانجی استحکام من در این رابطه هنوز مورد پژوهش قرار نگرفته است. بنابراین هدف پژوهش حاضر این است که آیا تعارض‌های زناشویی از طریق تحمل پریشانی با میانجی‌گری استحکام من در زنان متقاضی طلاق پیش‌بینی می‌شود و نتایج به شرح زیر می‌باشد:

چولگی و کشیدگی داده‌ها دو آزمون آماری برای ارزیابی میزان پراکندگی فراوانی داده‌ها بوده و برای بررسی نرمال بودن توزیع استفاده می‌شوند. در علم آمار چولگی معیاری از تقارن یا عدم تقارن تابع توزیع می‌باشد. کشیدگی نیز نشان دهنده ارتفاع یک توزیع است. به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر با ۳ است. زمانی که چولگی داده‌های یک متغیر در بازه ی (۲، -۲) و کشیدگی آن متغیر در بازه ی (۳، -۳) قرار گیرند گویند که آن متغیر دارای توزیع نرمالی می‌باشد همانطور که از جدول ۱ نیز پیدا می‌باشد، میزان توزیع کشیدگی و چولگی هریک از متغیرهای پژوهش در بازه ی (۲، -۲) قرار دارد

آن شرکت آزادانه و داوطلبانه و محرمانه ماندن پاسخ‌ها شرح داده شد. این اصول برای آن‌ها خوانده و از آنها رضایت شفاهی جهت شرکت در پژوهش دریافت شد. سپس بر اساس دستورالعملی که در بالای پرسشنامه‌ها نوشته شده است، از آن‌ها خواسته شد تمامی سؤالات را به دقت بخوانند تا حد امکان سؤالی را بی پاسخ نگذارند. پژوهشگر بر روند اجرای پرسشنامه‌ها نظارت داشت. بعد از گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های پاسخ‌های افراد نمونه با روش‌های آماری مناسب تجزیه و تحلیل شد. بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، ابتدا داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌ها استخراج گردید و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد و روش‌های استنباطی شامل تحلیل مسیر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها:

علیرغم تأثیر قابل توجه تعارض‌های زناشویی بر رفاه افراد و خانواده‌ها، درک محدودی از اینکه چگونه تحمل پریشانی و

جدول ۲- بررسی توزیع نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره K-S	معناداری
تعارض زناشویی	۰.۰۸۹	۰.۱۰۵
استحکام من	۰.۱۰۱	۰.۰۹۸
تحمل پریشانی	۰.۰۷۰	۰.۰۹۲

جدول ۳- بررسی همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱ تعارض زناشویی	۱		
۲ استحکام من	*-۰.۷۸۸	۱	
۳ تحمل پریشانی	*-۰.۷۳۵	**۰.۷۵۰	۱

** در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار است. * در سطح معناداری ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۴- شاخص های برازش مدل معادلات ساختاری رابطه تحمل پریشانی

با تعارض زناشویی همراه با میانجی گری استحکام من در میان زنان

CMIN/DF	NFI	CFI	RMSEA	PNFI
۴/۳۷۶	۰.۹۷۵	۰.۹۹۱	۰.۰۵۷	۰.۹۲۸

جدول ۵- بررسی اثر مستقیم ضرایب استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	پارامتر استاندارد نشده (b)	پارامتر استاندارد شده (β)	خطای استاندارد (S/E)	نسبت تحمل	معناداری p-value
استحکام من ← تعارض زناشویی	-۱.۰۰۴	-۰.۵۹۵	۰.۱۳۷	-۷.۳۲۸	۰.۰۰۰

جدول ۶- بررسی اثر مستقیم، غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	اثرات کل
استحکام من ← تعارض زناشویی	-۰.۵۹۵		-۰.۵۹۵

بر اساس یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان معناداری محاسبه شده برای متغیرهای اصلی پژوهش از ضریب خطا ۵ درصد بالاتر است در نتیجه متغیرها به لحاظ آمار استنباطی دارای توزیع نرمال و به هنجاری می‌باشند. جدول ۳ نتایج همبستگی بین متغیرهای برون‌زاد، درون‌زاد و میانجی را با آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد.

در نتیجه می‌توان بیان کرد که تمامی متغیرهای پژوهش از نظر توصیفی دارای توزیع نرمالی می‌باشند. از جمله مهمترین پیش فرض‌های انجام مدل سازی معادلات ساختاری بحث توزیع نرمال بودن متغیرهای پژوهش است که توسط آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۱ در این پژوهش انجام می‌شود.

1.Kolmogorov-Smirnov

نتیجه‌گیری:

نتایج مبنی بر آن است که متغیر برون‌زاد تحمل پریشانی اثر منفی و معناداری بر تعارض زناشویی داشته است. مبنی بر اینکه هرچه تحمل پریشانی بیشتر شود تعارض زناشویی زنان نیز کم خواهد شد. در تبیین یافته فوق، می‌توان عنوان کرد که تعارض‌های زناشویی به اختلافات یا تنش‌هایی گفته می‌شود که زوجین در روابط متعهدانه تجربه می‌کنند. این تضادها ممکن است ناشی از باورها، ارزش‌ها، اهداف و انتظارات متفاوت و همچنین از هم‌گسختگی ارتباطات، عوامل استرس‌زای مالی، خیانت و مسائل دیگر باشد. شدت این درگیری‌ها می‌تواند از دعوای جزئی تا بحث‌های مهمی که ممکن است بر رفاه رابطه تأثیر بگذارد متغیر باشد [۲۷، ۲۸]. تحمل پریشانی یک مهارت مقابله‌ای حیاتی است که افراد می‌توانند یاد بگیرند تا احساسات شدید را مدیریت کنند و از تبدیل شدن آنها به موقعیت‌های بحرانی جلوگیری کنند [۲۹]. در واقع تحمل پریشانی به توانایی تحمل و مدیریت هیجانات شدید بدون درگیر شدن در رفتارهای ناسازگار یا آسیب رساندن به خود اشاره دارد. این شامل توسعه راهبردهای مقابله‌ای است که به افراد کمک می‌کند تا احساسات خود را تنظیم کنند و از خارج شدن آنها از کنترل جلوگیری کنند. این راهبردها شامل تمرکز حواس، تسکین خود، حواس‌پرتی و حل مسئله است [۳۰]. بنابراین مطالب می‌توان استدلال کرد که افراد با سطوح بالاتری از تحمل پریشانی، برای مقابله با استرس‌ها و چالش‌های ناشی از زندگی زناشویی مجهزتر هستند. آنها انعطاف‌پذیرتر هستند و می‌توانند از درگیری‌ها عقب نشینی کنند، که می‌تواند به کاهش سطح کلی تعارض در رابطه کمک کند. در مقابل، افرادی که سطوح پایین‌تری از تحمل پریشانی دارند، ممکن است بیشتر مستعد واکنش نسبت به تعارض‌ها باشند که می‌تواند منجر به سطوح بالاتری از تعارضات زناشویی شود. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد با سطوح بالاتری از تحمل پریشانی ممکن است بیشتر درگیر استفاده از راهبردهای ارتباط سالم و حل تعارض باشند که می‌تواند به کاهش تعارضات زناشویی کمک کند. به عنوان مثال، افرادی که سطوح بالاتری از تحمل پریشانی دارند، ممکن است به جای اینکه به صورت تکانشی عمل کنند، راهبردهای سازگارانه‌تری استفاده کنند. این می‌تواند به جلوگیری از تشدید و کاهش تنش به شیوه‌ای سازنده‌تر کمک کند.

به علاوه نتایج مبین آن است که متغیر تحمل پریشانی با نقش میانجی استحکام من اثر غیر مستقیمی بر تعارض زناشویی در میان زنان داشته است. در نتیجه می‌توان بیان کرد که با افزایش تحمل پریشانی و در پی آن با افزایش استحکام من میزان تعارض زناشویی در میان زنان کم خواهد شد. فرضیه فرعی چهارم تأیید می‌شود. نتایج این یافته با نتایج مطالعات یوسفی و صفرزاده (۱۴۰۲)، روزیان، نامدارپور و

نتایج بدین ترتیب است که متغیرهای تحمل پریشانی با ضریب ۰.۷۳۵- با متغیر تعارض زناشویی در میان زنان داشتند و با افزایش تحمل پریشانی و استحکام من در میان زنان از تعارضات زناشویی کاسته می‌گردد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که متغیرهای تحمل پریشانی با ضریب ۰.۷۵۰- همبستگی معناداری در سطح خطای یک درصد با متغیر میانجی استحکام من داشتند. هرچه تحمل پریشانی افزایش یابد بر میزان استحکام من در میان زنان افزوده می‌گردد. از دیگر پیش‌فرض‌های مهم در انجام مدل سازی معادلات ساختاری بحث عدد هم خطی بین متغیرهای پیش‌بین در مدل رگرسیونی است که توسط دو آماره حداقل تحمل^۱ و عامل تورم واریانس^۲ انجام می‌شود و یافته‌های نشان می‌دهد که میزان آمار حداقل تحمل برای متغیرهای پیش‌بین در مدل رگرسیونی از ۰.۱ بالاتر است همچنین میزان آمار عامل تورم واریانس از ۱۰ کمتر می‌باشد در نتیجه عدم هم خطی بین متغیرهای پیش‌بین در مدل تأیید می‌گردد. در بخش مدل سازی معادلات ساختاری به بررسی رابطه تحمل پریشانی با تعارضات زناشویی همراه با میانجی‌گری استحکام من در میان زنان متقاضی طلاق به روش حداکثر درست‌نمایی پرداخته می‌شود.

جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری رابطه تحمل پریشانی با تعارض زناشویی همراه با میانجی‌گری استحکام من در میان زنان را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان نسبت خی دو بر درجه آزادی برابر با ۴.۳۷۴ می‌باشد که از میزان ۵ کمتر است در نتیجه این شاخص مورد تأیید قرار می‌گیرد. شاخص NFI ۰.۹۷۵، CFI ۰.۹۹۱ و PNFI ۰.۹۲۸ است که از میزان ۰.۹ بالاتر می‌باشند در نتیجه این سه شاخص نیز مورد تأیید قرار می‌گیرند و شاخص RMSEA نیز ۰.۰۵۷ است که از میزان ۰.۰۸ کمتر است و به طور کلی می‌توان بیان کرد که شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری مورد تأیید هستند.

جدول ۵ نتایج بررسی ضرایب استاندارد و غیر استاندارد حاکی از آن است که متغیر میانجی استحکام من با ضریب استاندارد ۰/۵۹۵- اثر منفی و معناداری در سطح خطای ۰.۰۵ بر تعارضات زناشویی داشته است مبنی بر اینکه هرچه استحکام زنان افزایش یابد تعارضات زناشویی در آنان نیز کمتر می‌گردد. جدول ۶ نتایج بررسی ضرایب استاندارد مستقیم، غیر مستقیم و کل رابطه میان متغیرهای پژوهش را به تفکیک نشان می‌دهد. نتایج ضرایب تعیین به دست آمده مدل نشان می‌دهد که میزان ضریب تعیین متغیر استحکام من ۰.۵۹- است مبنی بر اینکه متغیر استحکام من به میزان ۵۹ درصد توان پیش‌بینی تعارض زناشویی را در میان زنان داشتند.

1. Tolerance

2. Vif

به عنوان مثال صبوری (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی نقش میانجی استحکام من در رابطه بین ناراضی جنسی و روابط فرازناشویی در زنان متأهل پرداخت. در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد متغیر استحکام من نقش میانجی بین ناراضی جنسی و روابط فرازناشویی دارد. همچنین ملک زاده و آقاییوسفی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان طراحی و آزمون الگویی از رابطه استحکام من و سازگاری زوجین با میانجی گری خود میان بینی و تمایز یافتگی من در میان زوجین شهر شیراز نشان دادند که استحکام من هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم از طریق تمایز یافتگی خود و خود میان بینی بر سازگاری زناشویی مؤثر است. و الگوی پیشنهادی از برآزش مطلوبی برخوردار است. نتیجه گیری: این مدل به دلیل تمرکز بر عوامل فردی در سازگاری زناشویی می‌تواند نقش مهمی در کاهش تعارض‌های زناشویی داشته باشد به نحوی که ۴۰ درصد از سازگاری زناشویی توسط متغیرهای مطرح شده در این مدل تبیین می‌شود.

در تبیین یافته فوق، می‌توان عنوان کرد که هارتمن چندین مفهوم کلیدی را در روانشناسی ایگو معرفی کرد، مانند «خود مختاری»، «استحکام من» و «تاب آوری ایگو». او استدلال کرد که کارکرد اصلی ایگو حفظ ثبات روانی و سازگاری با شرایط متغیر است. هارتمن همچنین ایده «مرزهای ایگو» را مطرح کرد که نشان دهنده محدودیت‌های کنترل ایگو بر محرک‌های درونی و بیرونی است. این مرزها به محافظت از فرد در برابر اضطراب و استرس طاقت فرسا کمک می‌کند [۱۰، ۱۱]. استحکام من به استحکام و انعطاف پذیری ایگو فرد اشاره دارد که مسئول حفظ ثبات روانی، تنظیم احساسات و تسهیل عملکرد انطباقی در موقعیت‌های مختلف زندگی است [۱۲]. در واقع یک ایگو (من) سالم برای رفاه ذهنی و رشد شخصی ضروری تلقی می‌شود. این شامل داشتن عزت ایگو (من) متعادل، توانایی تشخیص نقاط قوت و ضعف خود و توانایی ایجاد روابط معنادار با دیگران است. یک ایگو (من) سالم به افراد این امکان را می‌دهد که چالش‌های زندگی را پشت سر بگذارند و تصمیمات انطباقی بر اساس واقعیت بگیرند، نه اینکه بیش از حد تحت تأثیر خواسته‌ها یا ترس‌های خود قرار گیرند [۱۳]. جامعه آماری پژوهش حاضر تنها شامل تمامی زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره زناشویی منطقه سه شهر تهران در بهار سال ۱۴۰۳ بود و تعمیم آن به سایر سنین و سایر شهرها باید با احتیاط صورت بگیرد. این مطالعه فقط بر روی زنان متمرکز بود و نتایج ممکن است به مردان یا سایر جمعیت‌ها تعمیم داده نشود. همچنین در پژوهش حاضر ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان، مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی زنان بررسی نشدند.

تشکر و قدردانی:

دست اندرکاران این پژوهش بر خود لازم میدانند تا از شرکت کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی به عمل آورند.

جوادزاده (۱۴۰۲)، محسن پور و دیگران (۱۴۰۱)، ارشدی و دیگران (۱۴۰۱)، صبوری (۱۴۰۱)، ملک زاده و آقاییوسفی (۱۴۰۰)، شکری، شفیع آبادی و دوکانهی فرد (۱۴۰۰)، تخیری، فخری و حسن زاده (۱۴۰۰)، کایرون و دیگران (۲۰۲۲) و دورلی و دیگران (۲۰۱۹) همسو بوده است.

در تبیین یافته فوق، می‌توان اذعان داشت که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحمل پریشانی تأثیر غیرمستقیم بر تعارض زناشویی در میان زنان دارد که با واسطه استحکام من انجام می‌شود. این بدان معنی است که با افزایش تحمل پریشانی زنان، استحکام من آنها نیز افزایش می‌یابد که به نوبه خود منجر به کاهش تعارضات زناشویی می‌شود. رابطه بین تحمل پریشانی و تعارض زناشویی را می‌توان به این صورت درک کرد که افراد با سطوح بالایی از تحمل پریشانی برای مدیریت هیجانات و مقابله با استرس مجهزتر هستند که می‌تواند منجر به افزایش احساس آرامش و رفاه شود. در واقع مدل پردازش ترافتون و گیلفورد (۲۰۱۱) در مورد تحمل پریشانی مبتنی بر روانشناسی شناختی است، که نشان می‌دهد افراد می‌توانند یاد بگیرند که احساسات خود را از طریق بازسازی شناختی و تکنیک‌های حل مسئله مدیریت کنند [۳۱، ۳۲]. این به نوبه خود می‌تواند منجر به بهبود مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض شود و در نهایت میزان تعارضات زناشویی را کاهش دهد. میانجی گری استحکام من در این رابطه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. استحکام من به استحکام و انعطاف پذیری ایگو فرد اشاره دارد که مسئول حفظ ثبات روانی، تنظیم احساسات و تسهیل عملکرد انطباقی در موقعیت‌های مختلف زندگی است [۳۳]. رابطه بین تحمل پریشانی و استحکام من به احتمال زیاد به دلیل این واقعیت است که هر دو متغیر با تنظیم هیجانی مرتبط هستند. افرادی که تحمل پریشانی بالایی دارند بهتر می‌توانند احساسات خود را تنظیم کنند و استرس را مدیریت کنند که می‌تواند منجر به افزایش احساس عزت نفس و اعتماد به نفس شود. این به نوبه خود می‌تواند به افزایش استحکام من کمک کند. هنگامی که افراد دارای سطوح بالایی از استحکام من هستند، احتمال بیشتری دارد که در روابط خود احساس اعتماد کنند و کمتر درگیر رفتارهایی می‌شوند که به تعارض کمک می‌کند. علاوه بر این، افراد با استحکام من بالا ممکن است به احتمال بیشتری نیازهای خود را اولویت بندی کنند و به طور مؤثر با آنها ارتباط برقرار کنند، که منجر به افزایش صمیمیت و کاهش تعارض می‌شود. همچنین نتایج مبنی بر آن است که متغیر میانجی استحکام من اثر منفی و معناداری بر تعارض زناشویی داشته است. بدین ترتیب که هرچه استحکام من در میان زنان افزایش یابد تعارض زناشویی آنان کم خواهد شد. فرضیه فرعی پنجم تأیید می‌شود. نتایج این یافته با نتایج پژوهش‌های صبوری (۱۴۰۱)، ملک زاده و آقاییوسفی (۱۴۰۰)، شکری، شفیع آبادی و دوکانهی فرد (۱۴۰۰) و آرا، غری و اسفندیاری (۲۰۱۷) همسو بوده است.

References

1. Safari N, Golnavazi S. A phenomenological analysis of the lived experiences of women seeking divorce. *Journal of Women and Family Studies*. 2022;15(2):55-76. (In Persian)
2. Nakhaei F, Mirzapour S, Mirzaei R. The relationship between marital adjustment and attitude toward divorce. *Family Psychology*. 2020;8(3):45-62. (In Persian)
3. Parvaei S, Mam Sharifi M, Shahamat Deh R. The role of emotional functioning in predicting the tendency for divorce. *Contemporary Psychological Studies*. 2023;12(1):25-40. (In Persian)
4. Pietromonaco PR, Overall NC, Beck LA, Powers SI. Couple dynamics and relationship processes. *Curr Dir Psychol Sci*. 2021;30(4):306-12.
5. Tasou G, Gatheon J. Marital conflict: psychological roots and modern challenges. *Int J Psychol*. 2021;56(3):215-27.
6. Chang EC, Chan W, Lanier RN, Wang SY. Gender and cultural influences in marital conflict. *J Fam Psychol*. 2023;37(1):12-22.
7. Ponzetti JJ, Kate L. Parenting styles and marital discord. *Marriage Fam Rev*. 2021;57(5):432-47.
8. Rouzian S, Namdarpour F, Javadzadeh N. Prediction of marital satisfaction based on distress tolerance and emotional schemas. *Iranian J Health Educ Health Promot*. 1402;11(3):310-20.
9. Seyfat M, Ahlakou M, et al. Emotional regulation, and distress tolerance: A correlational study. *J Clin Psychol*. 2023;25(2):78-86.
10. Mohsenpour S, Alaei Khorram E, Heydari Razieh Abad N. The role of distress tolerance in marital adjustment. *J Psychol Res*. 2023;27(1):44-56.
11. Lassuy Laux S, DeShong H, Weiner H. Emotional flexibility, and conflict resolution in intimate relationships. *J Soc Pers Relat*. 2023;40(2):189-206.
12. Jamali M, Eslami M. Relationship between distress tolerance and marital conflicts. *J Fam Couns Psychother*. 1400;10(1):23-38.
13. Shiri H, Farahbakhsh K, Zolfaghari M. Prediction of divorce tendency based on emotional schemas and distress intolerance. *J Psychol*. 2020;24(3):112-30.
14. Kyron MJ, Hooke GR, Bryan CJ, Page AC. Distress tolerance as a moderator of the dynamic associations between interpersonal needs and suicidal thoughts. *Suicide Life Threat Behav*. 2022;52(1):159-70.
15. Doorley JD, Kashdan TB, Alexander LA, Blalock DV, McKnight PE. Distress tolerance in romantic relationships: A daily diary exploration. *Motiv Emot*. 2019; 43:505-16.
16. Ara MJ, Ghari A, Esfandiari R. Ego capability examination in conjunction with marital adjustment. *Indian J Health Wellbeing*. 2017;8(9):1083-6.
17. Arasa M. Ego resilience in the face of life stressors: new perspectives. *J Psychol Res*. 2022;18(4):223-35.
18. Stauffer R, Evans T. Ego strength and mental flexibility: A psychoanalytic view. *Psychoanal Rev*. 2004;91(3):401-16.
19. McNeil G. The role of ego functioning in psychopathology. *J Psychodyn Psychother*. 2020;46(1):54-72.
20. Yates C. Ego strength and trauma: A developmental perspective. *J Clin Psychol*. 2014;70(3):208-17.
21. Shokri O, Shafiabadi A, Doukaneh Fard F. Relationship between ego strength and marital satisfaction. *J Psychol*. 2021;25(2):90-102.
22. Sabouri M. The mediating role of ego strength in the relationship between sexual dissatisfaction and extramarital affairs in married women. *Strategic Stud Humanit Islam Sci*. 2022;43(4):187-94.
23. Ahmadi S, Basharpour S, Atadokht A, Narimani M. Relationship between ego strength and maladaptive personality beliefs. *Iran J Psychiatry Clin Psychol*. 1401;27(1):53-66.
24. Roshan Chesli R, Aini S, Delara A. Prediction of Cluster B personality disorders based on the Zuckerman-Kuhlman model and ego strength. *Clin Psychol Pers*. 2020;16(2):7-15.

25. Takhiri F, Fakhri A, Hassanzadeh N. Relationship between ego strength and emotional distress tolerance. *Psychol Educ*. 1400;18(3):72-88.
26. Geffner J, Cordoba M. Ego resilience and stress management in adult relationships. *J Pers Assess*. 2017;99(2):195-205.
- 27.1. Simons JS, Gaher RM. The Distress Tolerance Scale: Development and validation of a self-report measure. *Motivation and Emotion*. 2005;29(2):83-102.
28. 2. Leyro TM, Zvolensky MJ, Bernstein A. Distress tolerance and psychopathological symptoms and disorders: A review of the empirical literature among adults. *Psychological Bulletin*. 2010;136(4):576-600.
29. 3. Linehan MM. *Cognitive-Behavioral Treatment of Borderline Personality Disorder*. New York: Guilford Press; 1993.
30. 4. Skowron EA, Friedlander ML. The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*. 1998;45(3):235-246.
31. 5. Peleg O. The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life? *Journal of Family Studies*. 2008;14(1):19-36.
32. 6. Titelman P, editor. *Clinical Applications of Bowen Family Systems Theory*. New York: Haworth Press; 1998.